شهامت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا؛ رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۱ (۲)، ۲۵۴- ۲۳۹.

بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه

فاطمه شهامت [۱] – علیرضا ثابتی [۲] – سمانه رضوانی [۳]

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی سهم سبک‌های فرزندپروری در پیش بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه صورت گرفته است. به این منظور ۱۵۰ دانشجوی دختر دانشکده ادبیات و علوم انسانی و کشاورزی دانشگاه فردوسی (۲۰ تا ۲۷ ساله) به شیوه سهمیه‌ای غیر احتمالاتی انتخاب و دو پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری دیانا بامریند و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره (SQ-SF) را پر کردند. متغیرهای مورد نظر پژوهشگر در چارچوب نظریه سبک‌های فرزندپروری دیانا بامریند و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (EMSs) جفری یانگ مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل نتایج به دست آمده با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه پیش‌بینی کننده معناداری برای سطوح پایین‌تر طرحواره ناسازگار طرد/ بی ثباتی ($F_{1,88} =$ ۶/۷۸۶، $p <$ ۰/۰۵) و سبک فرزندپروری سهل‌گیر پیش‌بینی کننده سطوح بالاتر طرحواره استحقاق/ بزرگ منشی ($F_{1,93} =$ ۸/۷۶۴، $p<$۰/۰۵)است.

واژه‌های کلیدی: طرحواره ناسازگار اولیه، سبک‌های فرزندپروری، طرحواره

مقدمه

روان‌شناسان مدت‌هاست عنوان کرده‌اندکه عملکرد والـدین برشـکل گیـری افکـار، رفتـار و هیجانـات کودکان تأثیر معناداری دارد. بر اساس مدل آسیب پذیری- استرس [۴] در آسیب‌شناسی روانی پـژوهش‌هـای

---

[۱]. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد fateme.shahamat@stu-mail.um.ac.ir

[۲]. دانشجوی کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

[۳]. دانشجوی کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

[4]. Diathesis- stress model

زیادی نقش عوامل مربوط به خانواده را به عنوان عامل زمینه‌ساز در آسیب پذیری فرد مورد بررسی قرار داده‌اند (هریس و کرتن[1]، ۲۰۰۲). در این میان پیاژه (۱۹۵۴) و بالبی[2] (۱۹۶۹) (به نقل از گانتی و بوری[3]، ۲۰۰۸) معتقدند که عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام طرحواره[4] می‌شود. این طرحواره‌ها در زندگی فرد به عنوان عدسی‌هایی عمل می کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می‌دهند.

متعاقب نظریه‌های شناختی آسیب‌پذیری روانی و با وام‌گیری از دیدگاه پیاژه، جفری یانگ[5] نظری را در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه[6] گسترش داده است. وی معتقد است این طرحواره‌ها که وی از آنها به عنوان "یک ساختار یا چارچوب مرجع" (یانگ، ۱۹۹۴، ص۶) یاد می کند؛ ساختارهای پایدار و بادوامی هستند که به مثابه عدسی‌هایی بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می گذارد. این طرحوارها در طی تجارب کودکی شکل گرفته (که اکثراً در زندگی کودک نقش یک ضربه درونی[7] را داشته‌اند) ، و پاسخ فرد به رخدادهای محیطی را کنترل می کند (یانگ ، ۱۹۹۸). وی عنوان می کند اگر چه عوامل مربوط به جامعه، مدرسه و همسالان در شکل گیری این طرحواره‌ها مؤثر هستند، اما اثر آنها آن وسعت و ثبات اثر عوامل خانوادگی را ندارد (تورس[8]، ۲۰۰۲). منشأ این طرحواره‌ها *نیازهای هیجانی اصلی*[9] (شامل پنج حیطهٔ :دلبستگی امن به دیگران (مانند احساس امنیت، ثبات و پذیرش)، خودمختاری، رقابت و احساس هویت، آزادی بیان نیازها و هیجانات، بازی و خودانگیخته بودن و محدودیت‌های معقول و خودکنترلی) ، *تجارب اولیه زندگی*[10] (ناکامی در ارضای نیازهای اولیه، ارضای بیش از حد و همانندسازی با رفتار نادرست والدین) و *مزاج هیجانی*[11] کودک (مجموعه ویژگی‌های خلقی کودک که ذاتی هستند و متمایز کننده شخصیت اولیه کودک) است (یانگ ۱۹۹۴). این طرحواره‌ها در رابطه با پنج تکلیف تحولی اساسی به وجود می‌آیند که اعتقاد بر این است کودک باید در طی تحول خود این تکالیف را در رابطه با والدین و محیط با موفقیت پشت سر گذارد. این پنج تکلیف عبارتند از: قطع ارتباط و طرد[12]،

---

1. Harris & Curtin
2. Piaget & Bowlby
3. Gunty, Buri
4. schema
5. Young Jeffry
6. Early maladaptive schema
7. trauma
8. Torres
9. Core emotional needs
10. Early life experiences
11. Emotional temperament
12. Disconnection & rejection

این مقوله از طرحواره‌ها عقاید و باورهای منفی راجع به روابط را شامل می‌شود که ممکن است بر انتظارات فرد از روابط و مفهوم سازی آنها اثر گذارد. در اینجا باور اصلی این است که روابط غیر قابل اعتماد، بی اعتبار و دست نیافتنی هستند. عملکرد و خودگردانی مختل[1]، این گروه در درجه اول شامل عقایدی راجع به خود است که فرد خود را ضعیف، بی اثر و درمانده می‌دانند و این طرحواره‌ها اثرات مهمی بر اعتماد به نفس فرد در حیطه‌های مختلف زندگی دارند. محدودیت‌های مختل[2]، طرحواره‌های این این مقوله با قدردانی، ارزیابی و توجه به محدودیت‌ها در زندگی روزمره مرتبط است. دیگر جهت مندی[3]، مندی[3]، این گروه از طرحواره‌ها بر عقایدی متمرکز است با این مضمون که فقط نیازها، خواسته‌ها و احساسات فرد مهم است. و سبب جدایی فرد از دیگران و طردآ نها می‌شود. گوش به زنگی بیش از حد و بازداری[4]، شامل استاندردهایی غیر واقع بینانه‌ای است که با تمایل بر تمرکز به شرایط، برونددادها و رفتارهای منفی مرتبط است تا شرایط، برونددادها و رفتارهای مثبت.

سبک‌های فرزند پروری[5] "ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورند"(برک لورا[6]، ۱۳۸۷: ۴۸۰). بامریند[7] در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد، این سه ویژگی عبارتند از: ۱) پذیرش و روابط نزدیک، ۲) کنترل و ۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی سه سبک فرزند پروری مشخص می‌شود: مقتدرانه[8]، مستبدانه[9] و سهل گیرانه[10]. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. و والدین با سبک فرزند پروری آسان گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیاز[11]، ۲۰۰۵).

---

[1]. Impaired autonomy and performance
[2].Impaired limits
[3]. Other directedness
[4]. Overvigilance and inhibition
[5]. Child rearing style
[6]. Berk Laura
[7] . Bamrind
[8]. authoritative
[9]. Authoritarian
[10]. permissive
[11]. Diaz

پژوهش‌های زیادی به بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و عملکرد والدین با علائم اختلالات روان‌شناختی و رفتارهای مختل پرداخته اند (پریوات[1]، ۲۰۰۳ ؛ هیدگرکن و همکاران[2]، ۲۰۰۴ ؛ فرزاد فرد و هومن[3]، ۲۰۰۸) . از طرفی حجم وسیعی از پژوهش‌ها به بررسی اثر گذاری طرحواره‌های ناکارآمد در علائم اختلالات روان‌شناختی پرداخته اند (مارمون[4] و همکاران، ۲۰۰۴؛ هریس و کرتن[5]، ۲۰۰۲سیسرو ۲۰۰۲سیسرو و یانگ[6]، ۲۰۰۱؛ تورس[7]، ۲۰۰۲، لوپر[8] ۲۰۰۳ ؛ گریفیث[9]، ۲۰۰۳؛ ترنر، رُز و کوپر[10]، ۲۰۰۵). ۲۰۰۵). از این میان و با توجه به مبانی نظری عنوان شده در ابتدای بحث در رابطه با اهمیت عملکرد والدین در شکل‌گیری طرحواره‌ها می‌توان استنباط کرد که سبک‌های فرزند پروری در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه سهمی دارند.

هدف این پژوهش بررسی سهم سبک‌های فرزند پروری در پیش‌بینی پانزده طرحواره ناسازگار اولیه است.

گانتی و بوری (۲۰۰۸) در بررسی اثر عملکرد والدین در رابطه با سه مؤلفه مهرورزی[11]، اقتدار[12] و کنترل[13] و شکل گیری طرحواره های ناکارآمد بیان می کنند، که عملکرد والدین پیش‌بینی کننده معناداری برای برخی حیطه‌های طرحواره‌ها (قطع ارتباط / طرد[14] و عملکرد/ خودگردانی مختل[15]) است. بارانف و تیان[16] (۲۰۰۷) درمطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که تعاملات ناکارآمد والدین پیش‌بین بسیار خوبی برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعاملات کمتر کودکان در روابط بین فردی آینده است. رایت و همکاران[17] (۲۰۰۹) نشان می‌دهند که سبک والدینی بر طریقه شکل گیری طرحواره‌ها اثر دارد و این طرحواره‌ها در آسیب شناسی روانی بعدی افراد اثر دارد. هریس و کرتن (۲۰۰۲) در پژوهشی به منظور مطالعه رابطه ادارک سبک‌های والدینی، طرحواره‌های ناکارآمد اولیه و علائم افسردگی در بزرگسالان

---

[1].Prenatt
[2]. Heidgerken
[3]. Farzadfar & Houman
[4]. Marmon
[5]. Harris and Curtin
[6]. Cecero. & Young
[7]. Torres
[8]. loper
[9]. Griffith
[10]. Turner & Rose & Cooper
[11]. nurturance
[12]. authority
[13]. control
[14]. Disconnection & rejection
[15]. Impaired autonomy and performance
[16]. Baranoff & Oei Tian
[17]. Write et al

جوان به این نتیجه رسیدند که طرحوارهای یانگ در ارتباط بین سبک‌های والدینی ادراک شده (در رابطه با مؤلفه‌های مهرورزی، کنترل و اقتدار) و علائم افسردگی نقش واسطه یا میانجی دارند. در این میان چهار طرحواره که بیشترین واریانس را به خود اختصاص دادند عبارت بودند از: نقص/ شرم، خودکنترلی ناکافی، آسیب‌پذیری و وابستگی/ بی‌کفایتی.

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه صورت گرفته است. هریس و کرتن (۲۰۰۲) با تأکید بیشتر بر پیش‌بینی پذیری علایم افسردگی با استفاده از طرحواره‌هایی که شکل‌گیری آنها ریشه در رفتارهای والدینی خاص دارد، قبل از همه سعی در ارائه نیم‌رخی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه‌ی مرتبط با افسردگی دارند.

در این پژوهش تلاش پژوهشگران بر آن است که با در نظر گرفتن رفتارهای والدینی در چارچوب نظریه بامریند و در قالب سبک‌های والدینی مطرح شده در بالا به بررسی سهم سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه بپردازند.

فرضیه پژوهش

سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده معناداری برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه است.

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی و غیرآزمایشی و از نوع مطالعات همبستگی است.

نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه این پژوهش ۱۵۰ دانشجوی دختر دانشگاه فردوسی بین ۲۰ تا ۲۷ ساله از دانشکده‌های کشاورزی و ادبیات و علوم انسانی است. نمونه‌گیری به روش سهمیه‌ای غیر احتمالاتی است. دانشکده‌های مورد نظر به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و روش نمونه‌گیری در سطح دانشکده‌ها به صورت نمونه گیری در دسترس بوده است. این حجم نمونه پس از حذف پرسشنامه‌های مغشوش در تحلیل داده‌ها به ۱۱۸ عدد کاهش یافت.

ابزارهای اندازه‌گیری

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دیانا بامریند: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط دیانا بامریند طراحی

شد. ۳۰ پرسش این پرسشنامه سه شیوه فرزندپروری را می‌سنجد ؛۱۰ پرسش، شیوه مقتدرانه، ۱۰ پرسش، شیوه مستبدانه و ۱۰ پرسش، شیوه سهل‌گیرانه. الگوی پاسخ‌دهی به پرسش‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت است. این پرسشنامه در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن در حد مطلوبی گزارش شده است. بوری[۱] (۱۹۹۱) از روش باز آزمایی، پایایی این ابزار را در مادران و پدران به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه۰/۸۱ و ۰/۷۷، شیوه استبدادی ۰/۸۶ و ۰/۸۵ و برای شیوه مقتدرانه ۰/۷۸ و ۰/۸۸ گزارش کرده است. وی همچنین روایی تشخیصی این پرسشنامه را معتبر گزارش کرده است. بر این اساس روش استبدادی مادر رابطه معکوس با سهل‌گیری(۰/۳۸–)، روش قاطع و اطمینان بخش(۰/۴۸–) و مستبد بودن پدر نیز رابطه معکوسی با سهل‌گیری(۰/۵۰–) و قاطع و اطمینان بخش(۰/۵۲–) دارد. در ایران اسفندیاری (۱۳۷۴) روایی و پایایی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده است. در این پژوهش روایی محتوایی این ابزار توسط ده متخصص قابل قبول گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرنباخ این پرسشنامه ۷۲/. بوده است.

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره[۲] (SQ-SF): ۷۵ گویه این پرسشنامه توسط یانگ (۱۹۹۸) برای ارزیابی ۱۵ ۱۵ طرحواه ناسازگار اولیه ساخته شده است. این طرحواره‌ها عبارتند از: محرومیت هیجانی[۳]، طرد/ بی ثباتی[۴] ، بی‌اعتمادی / بدرفتاری[۵] ، انزوای اجتماعی / بیگانگی[۶]، نقص/ شرم[۷] ، شکست[۸] وابستگی / بی- بی‌کفایتی[۹] ، آسیب‌پذیری نسبت به بیماری[۱۰] ، خود تحول‌نایافته / گرفتار[۱۱] ، اطاعت[۱۲] ، فداکاری[۱۳]، بازداری هیجانی[۱۴] ، معیارهای سرسختانه/ بیش‌انتقادی[۱۵]، استحقاق / بزرگ منشی[۱۶] و خودکنترلی ناکافی[۱۷] . هر پرسش بر یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (۱برای کاملا نادرست و ۶ برای کاملا درست) در این پرسشنامه هر ۵ پرسش یک طرحواره را می‌سنجد. چنانچه میانگین هر خرده مقیاس بالاتر

1. Buri
2. Schema Questionnaire
3. Emotional Deprivation
4. Abandonment / Instability
5. Mistrust / Abuse
6. Social isolation / Alienation
7. Defectiveness / Shame
8. Failure
9. Dependent / Incompetence
10. Vulnerability to harm or illness
11. Enmeshment / Undeveloped self
12. Subjugation
13. Self sacrifice
14. Emotional inhibition
15. Unrelenting standards / Hyper criticalness
16. Entitlement / Grandiosity
17. Insufficient self control

از ۲/۵ باشد آن طرحواره ناکارآمد است. پایایی و روایی این ابزار در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است (بارانف و اُای ، ۲۰۰۷). هنجاریابی این پرسشنامه در ایران توسط آهی(۱۳۸۴) در دانشگاه‌های تهران انجام گرفته است . همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ بدست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای به دست آمده ۰/۹۶ بوده است. آلفای مربوط به طرحواره‌ها در این مطالعه به این شرح است: محرومیت هیجانی(۰/۸۶)، طرد/ بی ثباتی(۰/۷۰) ، بی‌اعتمادی / بدرفتاری(۰/۸۱) ، انزوای اجتماعی / بیگانگی(۰/۷۹)، نقص/ شرم(۰/۸۹) ، شکست(۰/۸۹)، وابستگی / بی‌کفایتی(۰/۸۴) ، آسیب‌پذیری نسبت به بیماری(۰/۸۴) ، خود تحول‌نایافته / گرفتار(۰/۷۷)، اطاعت(۰/۸۲) ، فداکاری(۰/۸۲) ، بازداری هیجانی(۰/۷۸) ، معیارهای سرسختانه/ بیش انتقادی(۰/۶۹)، استحقاق / بزرگ منشی(۰/۷۸) و خودکنترلی ناکافی(۰/۷۱).

روش اجرای پژوهش

به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر، پرسشنامه‌ها توسط مجریان در محیط دانشکده‌ها و بر دانشجویانی که فرصت و تمایل همکاری داشتند، به صورت انفرادی اجرا گردید. مجریان این پژوهش با مراجعه به تریا و مکان استراحت دانشجویان در دانشکده‌های مورد مطالعه، پرسشنامه‌ها را به دانشجویانی که موافقت خود را به همکاری اعلام می‌کردند، ارائه کرده و از آنها می‌خواستند به پرسش‌ها پاسخ دهند.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از رگرسیون چندگانه صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به میانگین و انحراف استاندارد حاصل شده از ۱۱۸ نمونه مورد مطالعه به شرح زیر است.

جدول۱: داده های توصیفی مربوط به طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های فرزند پروری

	میانگین	*انحراف استاندارد*	*تعداد*
محرومیت هیجانی	۱۱/۱۰	۵/۷۱	۱۱۸
بی‌اعتمادی / بدرفتاری	۱۵/۳۳	۵/۲۹	۱۱۸

طرد/ بی ثباتی	۱۱/۲۲	۵/۴۴	۱۱۸
نقص/ شرم	۱۱/۲۵	۵/۲۵	۱۱۸
انزوای اجتماعی / بیگانگی	۸/۷۱	۴/۸۹	۱۱۸
شکست	۸/۷۶	۴/۷۱	۱۱۸
خود تحول‌نایافته / گرفتار	۹/۵۷	۴/۷۳	۱۱۸
آسیب‌پذیری نسبت به بیماری	۹/۸۱	۵/۶۵	۱۱۸
وابستگی / بی کفایتی	۱۰/۲۸	۴/۹۴	۱۱۸
استحقاق / بزرگ منشی	۱۰/۳۵	۵/۰۱	۱۱۸
اطاعت	۱۶/۹۷	۵/۸۹	۱۱۸
معیارهای سرسختانه/ بیش انتقادی	۱۰/۳۹	۵/۰۱	۱۱۸
بازداری هیجانی	۱۶/۸۹	۵/۵۱	۱۱۸
خودکنترلی ناکافی	۱۶/۹۲	۶/۰۷	۱۱۸
فداکاری	۱۴/۹۳	۵/۷۴	۱۱۸

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین سطح مربوط به طرحواره‌های ناسازگار اولیه مربوط به طرحواره‌هایی اطاعت، بازداری هیجانی و خودکنترلی ناکافی است.

جدول ۲: فراوانی و درصد فراوانی سبک‌های فرزندپروری

سبک فرزندپروری	فراوانی	درصد فراوانی
استبدادی	۷۶	۶۳/۵
مقتدر	۳۴	۲۹/۶
سهل گیر	۸	۷

با توجه به نتایج جدول ۲ سبک فرزندپروری استبدادی در نمونه مورد مطالعه بیشتر دیده میشود.

جدول ۳: همبستگی بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین

	سبک های فرزند پروری		
طرحواره‌ها	مستبد	سهل گیر	مقتدر
محرومیت هیجانی	۰/۱۴۹	۰/۱۲۶	−۰/۰۳۵
	۰/۱۲۲	۰/۲۰۰	۰/۷۲۱
بی‌اعتمادی / بدرفتاری	−۰/۰۸۰	−۰/۰۰۷	۰/۰۴۳
	۰/۴۲۱	۰/۹۴۴	۰/۶۷۱
طرد/ بی ثباتی	۰/۰۳۲	−۰/۰۴۷	−۰/۲۷۱**
	۰/۳۸۳	۰/۳۲۹	۰/۰۰۶
نقص/ شرم	۰/۰۷۸	۰/۰۱۲	−۰/۱۲۴
	۰/۴۲۰	۰/۹۰۶	۰/۳۰۷
انزوای اجتماعی / بیگانگی	۰/۱۸۷	۰/۰۲۴	۰/۱۰۰
	۰/۰۵۷	۰/۸۱۱	۰/۳۰۷
شکست	۰/۰۷۶	۰/۱۲۲	−۰/۱۱۱
	۰/۴۴۶	۰/۲۲۵	۰/۲۶۴
خود تحول‌نایافته / گرفتار	۰/۱۲۶	۰/۰۲۰	−۰/۰۸۵
	۰/۱۹۶	۰/۸۳۹	۰/۳۹۵
آسیب‌پذیری نسبت به	۰/۰۸۶	۰/۰۹۷	−۰/۱۱۲
بیماری	۰/۳۷۴	۰/۴۲۳	۰/۲۵۱
وابستگی / بی کفایتی	−۰/۰۹۷	۰/۰۳۱	−۰/۱۷۹
	۰/۴۳۴	۰/۷۶۲	۰/۰۶۴
استحقاق / بزرگ منشی	−۰/۰۹۲	۰/۲۹۳**	۰/۰۷۶
	۰/۱۸۷	۰/۰۰۲	۰/۲۳۲
اطاعت	−۰/۰۶۷	−۰/۱۰۵	−۰/۱۲۵
	۰/۴۹۱	۰/۲۸۹	۰/۲۶۸
معیارهای سرسختانه/ بیش	۰/۰۹۵	۰/۰۲۶	−۰/۱۴۹
انتقادی	۰/۳۳۲	۷۹۵	۰/۱۲۶
بازداری هیجانی	−۰/۱۶۱	۰/۰۵۷	−۰/۰۴۷

	۰/۱۰۳	۰/۵۶۶	۰/۶۳۵
خودکنترلی ناکافی	۰/۰۵۸	-۰/۲۷۵**	۰/۰۰۵
	۰/۵۵۴	۰/۰۰۵	۰/۹۵۴
فداکاری	-۰/۱۶۱	-/۰/۱۲۵	-۰/۱۰۵
	۰/۱۰۲	۰/۲۰۹	۰/۲۸۵

**معناداری در سطح ۰/۰۱

جدول ۳ داده‌های مربوط به همبستگی بین متغیرهای ملاک و پیش‌بین است. بر اساس این جدول تنها همبستگی بین طرحواره استحقاق / بزرگ منشی و سبک سهل‌گیر و نیز همبستگی طرحواره طرد/ بی‌ثباتی و سبک مقتدر رابطه معنادار وجود دارد ($p \leq 0.01$).

در این بخش تحلیل رگرسیون برای دو طرحواره طرد/ بی‌ثباتی و استحقاق/ بزرگ منشی بر اساس سه سبک فرزندپروری با استفاده از روش ورود گام به گام و با توجه به اندازه ضریب همبستگی در وارد کردن متغیرهای پیش‌بین صورت گرفت.

داده‌های مربوط به پیش‌بینی طرحواره طرد / بی‌ثباتی با استفاده از سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری مقتدر پیش‌بینی کننده معناداری برای این طرحواره است (۰/۰۶۱=مجذور ضریب همبستگی تعدل شده، $F_{3,86} =$ ۶/۷۴۸، $p <$ ۰/۰۵). مقدار مجذور ضریب همبستگی نشان می‌دهد که ۶ درصد از واریانس متغیر ملاک توسط متغیر پیش‌بین قابل پیش‌بینی است.

جدول شماره ۴. شاخصهای تحلیل واریانس یک‌راهه(ANOVA) جهت بررسی معناداری کل مدل رگرسیون

	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۸۴/۹۹۹	۳	۱۸۴/۹۹۹	۶/۷۴۸	۰/۰۱۱
باقیمانده	۲۴۲۱/۶۵۶	۸۶	۲۷/۴۱۷		
کل	۲۵۹۷/۶۵۶	۸۹			

متغیر پیش‌بینی کننده: سبک فرزند پروری مقتدر ، سهل‌گیر و مستبد. متغیر ملاک:طرحواره رهاشده گی

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد $P <$ ۰/۰۵ است در نتیجه کل مدل رگرسیون معنادار است.

جدول شماره۵: شاخص‌های تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		
	B	خطای استاندارد معیار	β	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۹/۲۳۳	۱/۴۷۶		۱۳/۰۳۳	۰/۰۰۰
سبک مقتدر	−۰/۲۷۵	۰/۱۰۶	−۰/۲۶۷	−۲/۵۹۸	۰/۰۱۱
سبک سهل گیر	۰/۰۷۵	۰/۱۰۶	۰/۰۸۴	۰/۷۰۷	۰/۴۸۱
سبک مستبد	۰/۰۸۴	۰/۰۹۰	−۰/۱۱۴	−۰/۹۳۴	۰/۳۵۳

نتایج تحلیل آزمون رگرسیون چندگانه نشان می دهد که ضریب بتا ی استاندارد شده برای ارزیابی سهم هر متغیر را در مدل، اندازه‌ای را بدست می‌دهد. مقادیر تی و p به اثر هرکدام از متغیرهای پیش‌بین اشاره می‌کند. مقادیرتی و p نشان می‌دهد که بین متغیر پیش بین و متغیر ملاک ارتباط معناداری وجود دارد. براین اساس سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش بینی کننده معناداری برای طرحواره طرد بی ثباتی است (β=−۰/۲۶۷). علامت منفی بتا بیان گر این است که در افراد دارای والدین با سبک فرزندپروری مقتدر این طرحواره ناکارآمد به طرز معناداری کمتر دیده می‌شود.

طرحواره بعدی که در رابطه با سبک‌های فرزندپروری به طور معناداری پیش‌بینی شد طرحواره استحقاق است. بر این اساس سبک فرزندپروری سهل‌گیر پیش بینی کنند ه معناداری برای سطح این طرحواره است.(۰/۰۷۶=مجذور ضریب همبستگی تعدل شده، p<۰/۰۰۵، $F_{3,91}$ = ۸/۷۶۴). مقدار مجذور ضریب همبستگی نشان دهنده این است که ۷/۶ درصد از واریانس متغیر ملاک توسط متغیر پیش بین قابل پیش‌بینی است.

جدول شماره ۶. شاخصهای تحلیل واریانس یکراهه(ANOVA)

	مجموع مجذورات	*درجه آزادی*	*میانگین مجموع مجذورات*	*F*	*سطح معناداری*
رگرسیون	۲۷۶/۲۵۰	۳	۲۷۶/۲۵۰	۸/۷۶۴	۰/۰۰۴
باقیمانده	۲۹۳۱/۲۸۷	۹۱	۳۱/۵۱۹		
کل	۳۲۰۷/۵۳۷	۹۴			

متغیر پیش بینی کننده:سبک فرزندپروری مقتدر، سهل گیر و مستبد. متغیر ملاک: طرحواره استحقاق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد‌که $P <$ ۰/۰۵ است در نتیجه کل مدل رگرسیون معنادار است.

جدول شماره۷: شاخص‌های تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		
	B	خطای استاندارد معیار	β	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲۳/۹۱۲	۲/۲۹۱		۱۰/۴۳۸	۰/۰۰۰
سبک سهل گیر	۰/۲۹۱	۰/۰۹۸	۰/۲۹۳	−۲/۹۶۰	۰/۰۰۴
سبک مقتدر	−۰/۰۴۳	۰/۰۹۶	−۰/۰۵۴	۰/۴۵۲	۰/۶۵۳
سبک مستبد	−۰/۰۳۴	۰/۱۳۶	−۰/۰۳۰	−۰/۲۵۲	۰/۸۰۲

نتایج تحلیل آزمون رگرسیون چندگانه (جدول ۷) نشان می دهد که ضریب بتا ی استاندارد شده برای ارزیابی سهم هر متغیردر مدل، اندازه ای را بدست می دهد. مقادیر تی و p به اثر هرکدام از متغیرهای پیش‌بین اشاره می‌کند. مقدار بزرگ تی مطلق و مقدار کوچک p نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو وجود دارد (β=۰/۲۹۳). علامت مثبت بتا نشانگر این است که این طرحواره‌های ناکارآمد بیشتر در افرادی‌که والدین‌شان سبک فرزندپروری سهل‌گیر دارند، شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و بحث

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد فرضیه پژوهشگر در رابطه با دو طرحواره طرد/ بی ثباتی و استحقاق تایید می‌شود. طرحواره طرد/ بی ثباتی از روی سبک فرزندپروری مقتدر قابل پیش‌بینی است. به این صورت که در افرادی که سبک فرزندپروری والدین آنها مقتدر است این طرحواره به طور معناداری کمتر شکل می‌گیرد. این طرحواره در مقوله قطع ارتباط و طرد می‌گنجد. در این مقوله نیازهای انسان به امنیت، ثبات، همدلی، شرکت در احساسات و پذیرش به شیوه‌ای قابل پیش بینی ارضا نخواهد شد. بطور معمول این نیازها در خانواده‌هایی که بریده، سرد، طردکننده، منزوی، انفجاری، بدرفتار و رها کننده هستند برآورده نمی‌شود. والدین با سبک فرزندپروری مقتدر در سه بعد مورد نظر بامریند ، پذیرش و روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن، به گونه‌ای عمل می‌کنند که نسبت به نیازهای فرزندانشان صمیمی، پذیرا و

دلسوز بوده ، توقع معقولی برای رفتار مناسب دارند و همواره آنرا تقویت می‌کنند. اینان به کودکان خود اجازه می‌دهند مطابق با آمادگی خود تصمیم بگیرند و وی را در تصمیم‌گیری مشارکت می دهند. والدین دارای این سبک رفتاری قاطعانه اما معقولانه دارند. از این رو قابلیت پیش‌بینی عملکرد آنها در رابطه با نیازهای کودک بالا است. لذا نتیجه به دست آمده در مورد رابطه سبک مقتدرانه و این طرحواره ناسازگار که با دل‌مشغولی نسبت به این تفکر همراه است که والدین یا نزدیکان می‌میرند، فرد را ترک می‌کنند یا دست نیافتنی هستند، قابل توجیه است.

نتیجه بعدی، وجود قابلیت پیش‌بینی طرحواره ناسازگار استحقاق توسط سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه است. این طرحواره در مقوله محدودیت‌های مختل می‌گنجد. در این مقوله مسایلی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، همکاری با دیگران ، تعهد یا هدف گزینی و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه مطرح است. طرحواره‌های ناسازگار مربوط به این حیطه در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که به جای انضباط، مواجهه مناسب، محدودیت‌های متناسب در قبول مسئولیت، همکاری متقابل و هدف گزینی با سهل‌انگاری افراطی، فقدان جهت دهی یا حس برتری شخصی متمایز می‌گردد. این در خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که ممکن است کودک، هدایت، جهت مندی و راهنمایی کافی را دریافت نکرده باشد. نتایج نشان می‌دهند در کودکانی که دارای والدین با سبک سهل‌گیرانه هستند، این طرحواره ناسازگار یعنی استحقاق و بزرگ-منشی که در آن فرد، خود را دارای حقوق و برتری‌هایی در مقایسه با دیگران می‌داند، بیشتر گسترش می‌یابد. والدین دارای این سبک فرزندپروری در سه بعد مد نظر بامریند، پذیرش و روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن بسیار صمیمی ولی سهل‌گیر و بی توجه هستند، توقعات کمی دارند و به کودک اجازه می‌دهند قبل از اینکه آمادگی داشته باشد تصمیمات زیادی بگیرد. با توجه به مفهوم سازی این مقوله‌ها به نظر می‌رسد روابط به دست آمده قابل قبول است. در رابطه با پیشینه مطرح شده لازم به ذکر است که نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج کلی به دست آمده در تحقیقات گانتی و بوری (۲۰۰۸)، بارانف و تیان (۲۰۰۷)، رایت و همکاران (۲۰۰۹) هریس و کرتن (۲۰۰۲) هم‌خوان است. اما بر خلاف نتایج معنادار و صریح تحقیقات گانتی و بوری (۲۰۰۸)، پژوهشگران این پژوهش، فقط در رابطه با دو طرحواره به قابلیت پیش‌بینی دست یافته‌اند. نتایج گانتی و بوری(۲۰۰۸) در رابطه با پنج مقوله طرحواره‌ها به قابلیت پیش‌بینی معناداری دست یافته اند. اما در کل نتایج پژوهش با نتایج اینان همسو است.

پیشنهادهای پژوهشی

یکی از مسایلی که این تفاوت در نتایج را می‌تواند توجیه کند آن است که در رابطه با سازه سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های والدینی با تأکید بر فرهنگ ایرانی پژوهشی صورت نگرفته است. به نظر می-رسد بخش اعظم رفتار والدینی یک مسئله وابسته به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی (لوییس[1] و همکاران، ۲۰۰۸) است. از این رو به نظر می‌رسد که این مسئله توجه خاصی را در پژوهش‌های آتی می‌طلبد.

این پژوهش فقط بر دانشجویان دختر صورت گرفته است، لزوم بررسی تفاوت‌های جنسی در این حیطه در پژوهش‌های آتی لازم به نظر می‌رسد.

پیشنهادهای کاربردی

به نظر می‌رسد نتایج مربوط به ارتباط سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های خاص دخیل در اختلالات روانشناختی بتواند راهنمایی برای جلسات درمان و حتی تصمیم‌های مربوط به پیشگیری از بروز اختلالات در سطح آموزش رفتار والدینی باشد.

[1] Luis

منابع

آهی قاسم (۱۳۸۵) . هنجاریابی نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی .

برک لورا (۱۳۸۷). *روانشناسی رشد(از لقاح تا کودکی)*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.

Baranoff & Tian (2007) .Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of Psychology*, 59, 2, 78 – 86.

Buri .(1997) . Parental authority questionare. *Journal of personality assessment*. 57,110-119.

Cecero. & Young (.2001) .Case of Silvia: A Schema-Focused Approach. *Journal of Psychotherapy Integration*, 11, 2, 217-229.

Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. *Unpublished Master Thesis, University of Maryland*,

Farzadfard & Houman(2008). The Role of Child Rearing Parenting Skills in Reducing Mothers' Stress and Children's Behavioral Problems. *JOURNAL OF IRANIAN PSYCHOLOGISTS SPRIN*. 4,15, 277-292.

Griffith(2003). Combining Schema-Focused Cognitive Therapy and Psychodrama: A Model for Treating Clients With Personality Disorders. *Journal of Group Psychotherapy, Psychodrama, & Sociometry*. 55, 4, 128- 140

Gunty, Buri (2008). Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association (Chicago, IL, May 2008). 33 pp.

Harris and Curtin (2002). Parental Perception, Early Maladaptive Schemas and Depressive Symptoms in Young Adult. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 3, . 405-416

Heidgerken (2004). Direct and Indirect Effects of Parenting and Children's Goals on Child Aggression. Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology, 33, 4, 684-693

Loper (2003). The relationship of Maladaptive Beliefs to Personality and Behavioral Adjustment Among Incarcerted Women. *Journal of Cognitive Psychotherapy* 17, 3, 253-266

Luis et al. (2008). Parenting practices and childhood anxiety reporting in Mexican, Mexican American, and European American families. *Journal of Anxiety Disorders*, 22, 1011–1020

Marmon and et. al (2004). Images of mother, Self, and God as predictors of dysphoria in non-clinical samples. *Personslity and Differences*, 36, 1669-1680

Prevatt (2003). The contribution of parenting practices in a risk and resiliency model of children's adjustment . *British Journal of Developmental Psychology*, 21, 469–480

Torres (2002). Early Maladaptive Schemas and Cognitive Distortions in Psychopathy and Narcissism. Avalible in eprints.anu.edu.au/archive/00002617/01/02whole.pdf

Turner & Rose & Cooper (2005). Parental bonding and disorder symptoms in adolescents: The meditating role of core beliefs. *Eating Behaviours* 6. 113-118

Wright & et al (2009). Childhood Emotional Maltreatment and Later Psychological Distress among College Student: The Mediating Role of maladaptive Schemas. *Child Abuse & Neglect: The International Journal*, 33 ,1,59-68

Young (1994). Schema Therapy: Conceptual Model. Avalable in www.therapist-training.com.au/young.pdf

Young (1998). The Young Schema Questionnare:Short Form. Available at http://home.sprynet.com/sprynet/schema/ysqs.htm.